



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۱/۲۰

نویسنده: مارتین دی . کارو
مترجم: سید حسام مل

زیبگنیو برژینسکی: پیامبر سیاست خارجی یا مرد کور

منبع و تاریخ نشر: ریپونسیبل ستیت گرفت ۲۰۲۶/۰۱/۲۲

زندگینامه «از گهواره تا گور» اد لوس، استراتژیست بزرگ رئیس جمهور کارتر، موفقیت‌ها و شکست‌های او در افغانستان و روسیه و تأثیرات امروز آنها را بررسی می‌کند.

در مصاحبه‌ای با هفته‌نامه فرانسوی «لو نوول آبزرواتور»، از مشاور سابق امنیت ملی قصر سفید که به خاطر نفرتش از کمونیسم شوروی مشهور است، پرسیده شد که آیا از ایده اش برای کمک به مجاهدین افغان با یک خط لوله مخفی پول و سلاح که ماه‌ها قبل از حمله اتحاد جماهیر شوروی در اواخر دسامبر ۱۹۷۹ بر افغانستان شروع به جریان کرده بود، یا اظهاراتی در مورد کرده بود پشیمان است یا خیر.

این مصاحبه در سال (۱۹۹۸) انجام شد یاصورت گرفت، پنج سال پس از آنکه اسلام‌گرایانی که در افغانستان آموزش دیده بودند، بمبی را در پارکینگ زیر مرکز تجارت جهانی منفجر کردند که منجر به کشته شدن شش نفر و زخمی شدن بیش از هزار نفر شد.

زیبگنیو برژینسکی با تمسخر گفت: «پشیمان از چه؟ چه چیزی در تاریخ جهان مهم تر است؟ طالبان یا فروپاشی امپراتوری شوروی؟ برخی مسلمانان تحریک شده یا آزاد شده در اروپای مرکزی و در پایان جنگ سرد؟» سه سال بعد، تروریست‌ها دوباره به برج‌های دوگانه ویا مضاعف واقع در آمریکا حمله کردند و ایالات متحده را به آغاز یک «جنگ علیه تروریسم» جهانی تحریک کردند که خود برژینسکی به زودی آن را به خاطر زیاده روی‌ها پیش محکوم کرد.

با این حال، همان‌طور که احمد رشید، روزنامه نگار پاکستانی، اشاره کرده است، از سال «۱۹۷۹» «هیچ یک از سازمان‌های اطلاعاتی درگیر نمی‌خواستند عواقب گرد هم آوردن هزاران رادیکال اسلامی از سراسر جهان» را برای مبارزه با شوروی در افغانستان در نظر بگیرند. نقل قول خاص در مورد مسلمانان تحریک شده در کتاب «زیبگنیو برژینسکی، پیامبر قدرت بزرگ آمریکا» نوشته ادوارد لوس که عمدتاً قانع کننده و با دقت نوشته شده است، وجود ندارد. این یک حذف جزئی است.

لوس، روزنامه‌نگار برجسته فایننشال تایمز، به طور جدی به این نقطه عطف حیاتی در پیگیری جنگ سرد توسط دولت کارتر می‌پردازد، رویدادی که پیامدهای ناخواسته آن تا به امروز ادامه دارد. این بدان معنا نیست که جنگجویان سرد آمریکایی می‌توانستند یا باید ظهور القاعده {۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱} را پیش‌بینی می‌کردند. آنچه مهم بود، روشی بود که وسواس برژینسکی به شوروی می‌توانست تفاوت بین نبردهای ارزشمند و نمایش‌های فرعی را در آنچه که او به عنوان یک رقابت اجباری برای برتری جهانی می‌دانست، پنهان کند. برای این روشنفکر پولندی‌الاصل و عضو آیدی لیگ که به استراتژیست بزرگ رئیس جمهور جیمی کارتر تبدیل شد، حمله شوروی به افغانستان لحظه‌ای بود که به شما گفته بودم، اما ثابت کرد که تنش زدایی، نیرنگی از سوی مسکو برای دنبال کردن ماجراجویی‌های جهان‌سومی است. این برای مردی که از آغاز دوران تحصیل پوهنتونی خود معتقد بود و اشنگتن به یک استراتژی قابل استفاده برای تسریع فروپاشی اجتناب‌ناپذیر اتحاد جماهیر شوروی نیاز

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بڼی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

دارد، غیرقابل قبول بود.

لوس به گزیده‌ای از مصاحبه فرانسوی اشاره می‌کند که در آن برژینسکی اذعان می‌کند که حمایت مخفیانه اولیه از شورشیان مسلمان به منظور تحریک حمله شوروی بوده است، اگرچه او "اصرار داشت که نقل قول نادرستی از او شده و از روزنامه فرانسوی خواست که آن را پس بگیرد." لوس می‌گوید، صرف نظر از اینکه او دو دهه پس از ترک قدرت چه گفته است، ایده‌ها و نفوذ برژینسکی با ارائه "پنجره‌ای به چگونگی کارکرد جهان و آنچه در تاریخ اتفاق می‌افتد" چیزهای زیادی برای آموختن به ما دارد.

در بحبوحه هرج و مرج جهانی امروز، پژوهش‌هایی از شرایط اضطراری پی‌درپی که دو سال آخر کارتر در قصر سفید را دربر گرفت، به گوش می‌رسد که هیچ‌کدام از نظر سیاسی مخرب تر از بحران گروگان‌گیری ایران نبود. امروزه، به ما هشدار داده می‌شود که اتحادی از حکومت‌های خودکامه، نظم مبتنی بر قانون را تهدید می‌کند. در اواخر دهه ۱۹۷۰، برژینسکی یک «هلال بحران» را از جنوب شرقی آسیا از طریق خاورمیانه تا شاخ آفریقا شناسایی کرد، جایی که او می‌خواست با حمایت نظامی شوروی از اتیوپی در جنگ علیه سومالی بر سر صحرای اوگاندا مقابله کند.

لوس می‌نویسد: «اگر کارتر به توصیه او برای مخالفت با اتحاد جماهیر شوروی در شاخ آفریقا عمل می‌کرد، شوروی‌ها ممکن بود به افغانستان حمله نکنند. او معتقد بود که واکنش منفعلانه آمریکا به اقدامات شوروی در شاخ آفریقا و جاهای دیگر به مسکو اعتماد به نفس حمله به افغانستان را داد.» امروز، واشنگتن باید از اوکراین حمایت کند تا مبادا چین برای جذب تایوان جسور شود، نوعی نظریه دومینوی روانشناختی که از زمان فراتر می‌رود. بازبین رفتن تنش‌زدایی و دفن شدن پیمان‌سالت ۲ «درشن‌های اوگاندا»، ستون فقرات کارتر از خیانت شوروی سفت شده بود. معلم رئیس‌جمهور در امور جهانی، وزارت امور خارجه را در جدال بی‌پایان بر سر جهت سیاست خارجی ایالات متحده در قبال مسکو شکست داده بود. و این منجر به مضحک‌ترین ادعا در مورد دوران طاقت فرسای کارتر در کاخ سفید شد: رئیس‌جمهور گفت که حمله به افغانستان «می‌تواند جدی‌ترین تهدید برای صلح از زمان جنگ جهانی دوم باشد.»

این توهم منجر به دکتترین کارتر شد که توسط برژینسکی تدوین و در سخنرانی وضعیت کشور در سال ۱۹۸۰ اعلام شد تا مدیریت ایالات متحده بر خاورمیانه و نفت آن را نظامی کند، اقدامی که پیامدهای آن فجایع آینده را محتمل می‌کرد. حتی در آن زمان، این تهدید اغراق‌آمیز به نظر می‌رسید، مگر اینکه کسی باور داشته باشد که ارتش سرخ می‌تواند از کوه‌های افغانستان حرکت کند و خلیج فارس غنی از نفت را هزاران مایل دورتر، مانند ارتش‌های پلاستیکی کوچک در بازی تخته‌ای ریسک، کنترل کند.

حمایت ایالات متحده از جهاد ضد شوروی تنها یکی از درام‌های مطالعه ارزشمند ادوارد لوس درباره مردی است که تکبر، خودخواهی و طبیعت بی‌رحم دشمنانی را در سراسر طیف سیاسی برانگیخت، و هیچ‌کدام تأثیرگذارتر از «دوست-دشمن» هنری کیسینجر نبودند، که اغلب در این صفحات به عنوان یک دسیسه‌چین دوچهره ظاهر می‌شود.

بیشتر رویدادهای پوشش داده شده در اینجا متعلق به قرن گذشته است، اما تداوم آنها فراوان است. به عنوان مثال، برژینسکی به دلیل خشم ناشی از حمایت از خودمختاری فلسطین، به ضدیت با اسرائیل متهم شد، اتهامی که لوس نتیجه می‌گیرد بی‌اساس است. با این وجود، استاد سیاست خارجی کارتر در انتقاد از لابی طرفدار اسرائیل بی‌باک بود. لوس خاطر نشان می‌کند که چقدر طعنه‌آمیز است که منتقدانش مرتباً برژینسکی را به دلیل اینکه به پولندی بودن خود افتخار می‌کرد، به اختلاف در وفاداری متهم می‌کردند. با این حال، وقتی او به تعصب طرفدار اسرائیل خود اشاره می‌کرد، آنها قدر دان این موضوع نبودند. لوس می‌گوید، زیبگ، اولین و تنها مشاور امنیت ملی متولد پولند، تحت تأثیر خیانت احتمالی فرانکلین روزولت در یالتا و «سنیزه‌جویی پوچ عقب‌گرد» قرار گرفت. با این حال، برژینسکی جنگ طلب نبود. او می‌دانست که ایالات متحده فقط می‌تواند به آزادسازی مسالمت‌آمیز اروپای شرقی کمک کند. نویسنده، دیپلماسی تیزبینانه‌ی خود را عامل جلوگیری از حمله‌ی شوروی به پولند در سال ۱۹۸۰ می‌داند. او هم بر کرملین و هم بر جنبش همبستگی فشار آورد و به دومی توصیه کرد که کاری برای تحریک دفتر سیاسی انجام ندهد.

برژینسکی معتقد بود که امپراتوری کمونیستی به دلیل «مشکل ملیت‌ها» از هم خواهد پاشید. به جای شهروندان شوروی، اوکراینی‌ها، پولندی‌ها، لیتوانیایی‌ها، ازبک‌ها و غیره بودند که هرگز نمی‌خواستند در دام مسکو گرفتار شوند. اینجا جایی بود که او به عنوان یک «پیامبر» شهرت یافت. با این حال، این افغانستان - در مجاورت «بخش ضعیف» جمهوری‌های آسیای مرکزی با اکثریت مسلمان - نبود که منجر به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی شد. آرتمی کالینوفسکی، محقق، استدلال کرده است که این باتلاق پرهزینه اما پایدار بودودریک دولت پلیسی اقتدارگرا، فشار عمومی کمی برای عقب‌نشینی وجود داشت.

لوس به درستی تأکید می‌کند که اصلاحات اقتصادی شکست‌خورده گورباچف، کاتالیزور واقعی فروپاشی داخلی بود

با این حال، وقتی صحبت از امپراتوری شوروی شد، تعهد کارتر و برژینسکی به توافق‌نامه‌های هلسینکی ۱۹۷۵، یک دهه بعد به فروپاشی بلوک شرق کمک کرد. حمایت آنها از مخالفان در کشورهای اسیر پشت پرده آهنین، مانند منشور ۷۷ چکسلواکی، کاملاً با موضع حقوق بشری کارتر سازگار بود. بنا بر این جای تعجب است که لوس به ندرت به سیاست دولت در السالوادور خونین اشاره می‌کند. از طرف دیگر، «برژینسکی با کیسینجر در عدم کنجاوی قابل توجه در مورد بقیه نیمکره غربی مشترک بود.»

همانطور که به نظر می‌رسد جهان به سمت دوران جدیدی از هرج و مرج پیش می‌رود، زندگی‌نامه ادوارد لوس از زیبایی‌شناسی برژینسکی، یک ضد کمونیست سرسخت و قادر به انعطاف پذیری تاکتیکی، به ما یادآوری می‌کند که چگونه پیش‌بینی نشده‌ها - مانند زمانی که مردم کارتر نسبت به خشم عمومی نسبت به شاه ایران کور بودند - به اندازه، اگر نه بیشتر، استراتژیست‌هایی که سعی در تسلط بر صفحه شطرنج جهانی دارند، تاریخ را شکل می‌دهند. در اینجا خطر مقایسه رقابت قدرت‌های بزرگ با شطرنج نهفته است. در یک بازی تخته‌ای، بازیکنان همیشه باید حرکت کنند یا تسلیم شوند. در یک دنیای خطرناک، گاهی اوقات عاقلانه است که حرکتی انجام نشود.